

یوحنا 3

یک نفر از فریسیان به نام نیکودیموس که از بزرگان قوم یهود بود، 2 یک شب نزد عیسی 1 آمد و به او گفت: «ای استاد، ما می‌دانیم تو معلمی هستی که از طرف خدا آمده‌ای زیرا هیچ‌کس نمی‌تواند معجزاتی را که تو می‌کنی انجام دهد، مگر آنکه خدا با او باشد.» 3 عیسی پاسخ داد: «یقین بدان تا شخص از نو تولد نیابد نمی‌تواند پادشاهی خدا را ببیند.» 4 نیکودیموس گفت: «چطور ممکن است شخص سالخورده‌ای از نو متولد شود؟ آیا می‌تواند باز به رحم مادر خود برگردد و دوباره تولد یابد؟» 5 عیسی پاسخ داد: «یقین بدان که هیچ‌کس نمی‌تواند به پادشاهی خدا وارد شود مگر آنکه از آب و روح تولد یابد. 6 آنچه از جسم تولد بیابد، جسم است و آنچه از روح متولد گردد، روح است. 7 تعجب نکن که به تو می‌گویم همه باید دوباره متولد شوند. 8 باد هر جا که بخواهد می‌وزد صدای آن را می‌شنوی، اما نمی‌دانی از کجا می‌آید، یا به کجا می‌رود. حالت کسی هم که از روح خدا متولد می‌شود همین‌طور است.» 9 نیکودیموس در جواب گفت: «این چطور ممکن است؟» 10 عیسی گفت: «آیا تو که یک معلم بزرگ اسرائیل هستی، این چیزها را نمی‌دانی؟ 11 یقین بدان که ما از آنچه می‌دانیم سخن می‌گوییم و به آنچه دیده‌ایم شهادت می‌دهیم، ولی شما شهادت ما را قبول نمی‌کنید. 12 وقتی درباره‌ی امور زمینی سخن می‌گویم و آن را باور نمی‌کنید، اگر درباره‌ی امور آسمانی سخن بگویم چگونه باور خواهید کرد؟ 13 کسی هرگز به آسمان بالا نرفت، مگر آن‌کس که از آسمان پایین آمد، یعنی پسر انسان که جایش در آسمان است. 14 همان طوری که موسی در بیابان مار برنزی را بر بالای تیری قرار داد، پسر انسان هم باید بالا برده شود 15 تا هرکس به او ایمان بیاورد صاحب حیات جاودان گردد. 16 زیرا خدا جهانیان را آن‌قدر محبت نمود که پسر یگانه‌ی خود را داد تا هر که به او ایمان بیاورد هلاک نگردد، بلکه صاحب حیات جاودان شود. 17 زیرا خدا پسر خود را به جهان فرستاد که جهانیان را محکوم نماید بلکه تا آنان را نجات بخشد. 18 هرکس به او ایمان بیاورد محکوم نمی‌شود اما کسی که به او ایمان نیاورد در محکومیت باقی می‌ماند، زیرا به اسم پسر یگانه‌ی خدا ایمان نیاورده است. 19 حکم این است که نور به جهان آمد ولی مردم به علت کارهای شرارت‌آمیز خود تاریکی را بر نور ترجیح دادند، 20 زیرا کسی که مرتکب کارهای بد می‌شود از نور متنفر است و از آن دوری می‌جوید مبادا کارهایش مورد سرزنش واقع شود. 21 اما شخص نیکوکار به سوی نور می‌آید تا روشن شود که کارهایش در اتحاد با خدا انجام شده است.» 22 بعد از آن عیسی با شاگردان خود به سرزمین یهودیه رفت و در آنجا مدتی با آنها مانده تعمید می‌داد. 23 یحیی نیز در عینون، نزدیک سالیم، به تعمید دادن مشغول بود. در آن ناحیه آب فراوان بود و مردم برای گرفتن تعمید

هر کسی می‌تواند در کتاب‌فروشی در مورد هر موضوعی یک کتاب تهیه کند. معمولاً در کنار اسم کتاب موضوع کوتاهی راجع به محتویات کتاب نوشته شده است که برای

انسانهای نا آگاه که اطلاعاتی از آن موضوعات ندارند.
با این کار میخواهند ترس را از کسانی که کتاب را میخواهند بخوانند بگیرد.
در این کتابها توضیح کوتاهی راجع به مهمترین موضوعات داده شده است.
صحبت عیسی با نیکودیموس را میتوان اینطور ترجمه کرد مسیحی بودن برای نادانان

در این صحبت کوتاه، به نیکودیموس نشان میدهد که نکته های مهم مسیحیت چه چیزهایی است.
شاید هم این نکته ها سختترین ها باشد. حتی در آغاز آن نشان میدهد که یک موضوع راحتی نیست که
در مورد آن چانه میزنند و تبادل نظر میکنند.
شب نیکودیموس یکبارہ میاید حتماً ترسیده بود که جلوی بقیه از عیسی سوال بپرسد. شاید هم میدان
که اگر تنها با او صحبت کند میتوان صادق و راحتتر بود

در ابتدای صحبت انسان فکر میکند که دو شخصیت عالم و همطراز باهم بحث میکنند.
نیکودیموس میگوید: اسناد ما میدانیم که تو معلمی هستی که از طرف خدا آمده ای
نیکودیموس از معجزات عیسی خیلی کنجکاو شده بود چون او یک خاخامه یهودی بود. حتماً
میخواست بداند که یک انسان چطور میتواند قوانین خداوند را دقیق انجام دهد. چطور انسان میتواند
خواست خدا را بهتر دنبال کند

انسان به چه چیز باید توجه کند که بالاترین هدف که خداوند است برسد.
نیکودیموس مثل خیلیهای دیگر براه افتاد تا از عیسی بشنود که چطور میتواند به خداوند نزدیکتر
شود.

خیلیها این سوال را از عیسی میکردن. یکی میخواست بداند، که بزرگترین قانون خدا چیست؟؟؟
دیگری پرسید: من باید چکار کنم که زندگی ابدی را به ارث ببرم
!جواب همه این سوالها یکی است

سوال دیگر اینست، که ما چطور میتوانیم قسمتی از خدا و ملکوت او را داشته باشیم. این سوالی نیست
که ما امروز میخواهیم بپرسیم

ولی باز هم ما مثل نیکودیموس و خیلیهای دیگر میخواهیم بدانیم که چطور میتوانیم دینمان و جنبه
مذهبیمان را بهتر حفظ کنیم

روش یا راه خاصی است؟ یا سرودی است که روح ما را باز کند تا بتوانیم درون آسمان را ببینیم؟
چه قدرت‌هایی داریم که بتوانیم آنرا کشف کنیم؟

حتی در مورد اینجور موضوعات هم کتابهایی هست که راه روحانیون با تقوا را تشریح کند.
زمانیکه نیکودیموس نزد عیسی آمد، عیسی حتی به او اجازه نداد که سوال خود را بپرسد. به جای
آن، موضوع را چرخاند به طرف دیگری. عیسی میگوید: مگر اینکه یکی تازه به دنیا آمده باشد او
نمیتواند ملکوت خدا رو ببیند

عیسی با این جمله نشان میدهد که اولین نکته مسیحی بودن یعنی چه؟؟؟

اولین نکته اینست که: برای انسانها مسیحی بودن و به خدا رسیدن غیر ممکن است. اینکار را
هیچکس نمیتواند انجام دهد. کسی هیچ راهی نمیداند حتی اگر خیلی مومن باشد. ما انسانها از همان
ابتدا طوری نبودیم که به ملکوت خدا راه پیدا کنیم. ما باید از نو متولد بشویم چیزی را که عیسی
به نیکودیموس نشان میدهد

آیا کسی میتواند خودش را از نو متولد کند؟ نه! همینطوری هم ما نمیتوانم به خدا برسیم

جواب عیسی به نیکودیموس غیر ممکن است مثل جوابی که به آن مرد ثروتمند داد زمانیکه به او
گفت: هرچه داری بفروش و به فقرا هدیه کن

ما انسانها چنین کارهایی در توانمان نیست.
آن شخص ثروتمند میخواست بداند که بزرگترین قانون خدا چیست؟
مثل نیکودیموس، اصلاً به خدا نزدیکتر نشد و هر دو با اینکه خیلی سعی کردند هیچ قدمی جلوتر
نرفتند.

خیلی کارها انجام دادند ولی در همان مقطع باقی ماندند.
عیسی از نیکودیموس پرسید: تو یک معلم اسرائیلی هستی ولی این چیزها را نمیدانی؟؟
این سوال مسخره بود. معلوم است که این چیزها را نمیداند، از کجا باید بداند؟ او هم مثل ما انسان
است. فقط عیسی که از طرف خداوند آمده میتواند بخوبی توضیح دهد که ما چطور به خدا نزدیک
بشویم ولی در این گفتگو عیسی نمیخواهد نیکودیموس را تنها بگذارد.

چیزی که برای ما غیر ممکن است برای خدا ممکن است. ما نمیتوانم خودمان رو متولد کنیم ولی خدا
!میتواند. ما باید و میتوانیم از آب و روح انسانهای جدیدی بشویم
. منظور عیسی از روح اینست: که هیچ چیز انسانی نیست بلکه او خود خداست
ما باید از بالا به دنیا بیاییم. طرز فکرمان باید کاملاً عوض شود. سرچشمه مهم است که او خود
خداست.

خداوند با چیزهای خیلی ساده نزد ما میآید که از سادگی آن ما خودمان تعجب میکنیم.
روح خداوند حتی آب ساده را هم از ما قبول میکند.
عیسی بعد از امر به تعمید گرفتن کرد و گفت: بروید آنها را تعمید دهید بنام پدر پسر و روح القدس.
عیسی با این جمله سوالی که نیکودیموس پرسیده بود را جواب داد. خدا آب را با کلام عیسی بهم
متصل کرد. اینطور ما دوباره متولد میشویم. اینطور خدا از طریق روح القدس در بدن ما زنده است
گفتگوی عیسی با نیکودیموس باعث شد بار سنگینی از روی دوش او برداشته شود. عیسی میخواهد
نظر ما را به سمت دیگری جلب کند که همه چیز از کجا میآید. او ما را آزاد کرد که هر بار خودمان
را امتحان کنیم تا ببینیم در زندگی مذهبیمان پیشرفتی داشته ایم یا نه؟

احتیاجی به انجام همه این کارها ندارم. اگر من تغییری در زندگی خود ببینم هیچ کاری به غیر از
تشکر از خدا ندارم.
دلیلی وجود ندارد که صدای باد را من به خودم بگیرم، بلکه همه اینها از طرف خداست.

ما نمیتوانیم خودمان به تنهایی به خدا نزدیک شویم مگر با عیسی.
. باز هم میبینیم که خیلی از انسانها راه عیسی را رد میکنند.
. عیسی به نیکو دیموس میگوید: شهادت ما را شما قبول ندارید.
همانطور که عیسی را قبول ندارید، خدا را هم قبول ندارید.
این اولین گناه همه انسانها بود بر ضد خداوند.
عیسی صلیب خودش را با مار موسی در بیابان مقایسه میکند. این مقایسه خیلی خوب و پر قدرتی
است. در اسرائیل خیلی مارها سمی بودند که انسانها را میکشند. موسی باید یک مار از جنس مس
میساخت

هرکس به آن نگاه میکرد نجات میافت. عیسی به نیکودیموس نشان میدهد که صلیب او از هر چیزی
در دنیا بالاتر است. شیطان همیشه
درون ما و اطراف ما سمپاشی میکند. گاهی اوقات ما را کور میکند که نجات خودمان را در عیسی
نبینیم. و چقدر خوب است که از شیطان جدا شویم و چشمهایمان به عیسی باز شود.

در انجیل یوحنا این امید باقی میماند ، که نیکودیموس این کلمات را شنید و روی زمین حاصلخیز
افتاد

اگر این واقعیت داشته باشید نیکودیموس نجات میابد. و اگر تو هم کلمات عیسی را در قلب خود داشته
... باشی و همانطور زندگی کنی تو هم نجات پیدا میکنی

امین